

رفقا، دوستان و مهمانان گرامی!

نخست از همه اجازه دهید صمیمانه ترین سلام ها و شاد باش ها را از آن سوی ابحار به شما عزیزان پیش کش کرده و کار موفقیت آمیز کنفرانس سراسری نهضت آینده را در ارتباط به مرامنامه و اساسنامه نهضت آرزو نمایم. کنفرانس حاضر یک گام استوار و با شهامت در راستای ایجاد یک حزب نیرومند زحمتکشان بر بنیاد اندیشه های خلاق جهان بینی علمی در جهت رفاه و رهایی زحمتکشان کشور از قید ظلم و بیداد گری شمرده میشود.

رفقای ارجمند،

کنفرانس ما در زمانی دایر میگردد که اوضاع داخلی و جهانی نهایت متشنج ، بغرنج و خاطره انگیز است.

افغانستان در وضعیت خیلی بحرانی قرار دارد و خامت این وضع از طرف نهضت آینده در فراخوان اکتوبر ۲۰۰۶ بطور مفصل تحلیل و ارزیابی شده و تصویر روشن و مشخص از آن ارایه گردیده است.

اکنون که بیش از پنج سال از بر اندازی رژیم سیاه و تاریک طالبی سپری شده است، حکومت کابل با کمک نیرو های «ائتلاف بین المللی ضد تروریسم» قادر به کنترل اوضاع سیاسی و نظامی کشور نگردیده است. نا امنی در سراسر کشور حکمفرما میباشد. وضعیت اقتصادی کشور (اگر ممکن باشد آنرا به مفهوم اقتصادی یاد کرد) در چنگال های « مافیای مواد مخدره، زور گویان منفعت طلب به شمول رده های بالایی حکومت قرار دارد. سازمان هایی غیر حکومتی که به «انجوهایی» شهرت یافته اند به حیف و میل و سرقت

پول های امدادی برای افغانستان « مصروف اند. سازمان های غیر حکومتی پیوند و وابستگی کامل به حکومت و کشورهای غربی که در عین زمان « کشورهای کمک کننده» یا (Donors) هستند، دارند. ولی بطور آگاهانه موقف حقوقی این سازمان ها طوری تنظیم شده است تا در برابر هیچ ارگانی بشمول حکومت مربوط شان از فعالیت شان جوابده نباشند. گویا که موقف غیر مسؤول و واجب الاحترام را کسب کرده اند.

در واقعیت این سازمان های غیر حکومتی پدیده های جدید استعمار نو زاده دوران نیوامپریالیستی بود که نه تنها در افغانستان بلکه در سراسر دنیا به چپاولگری ثروت های کشورهای در حال رشد اشتغال دارند.

حکومت کابل با ترکیب نا متجانس آن در برابر مردم کاملاً بی اعتبار شده و فاقد صلاحیت پیشبرد و وظایف ضروری و عاجل کشور میباشد.

اوضاع منطقه و جهان متناسب به اوضاع داخلی از تشنج و بحران کافی برخوردار است. مشخصات و ویژه گی های وضعیت بین المللی در سند مرامنامه نهضت توضیح گردیده است، میخوایم با گفتنی مختصر در زمینه تماس بگیریم:

روند جاری در مناسبات بین المللی بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی توسط گروه های (New Conservatives) محافظه کاران جدید اختطاف گردیده است. خشونت و زور گویی و استفاده از قدرت نظامی بخاطر رسیدن به اهداف « و منافع حیاتی» مشخصه این جریان است.

در دهه اخیر سیاست های نظامی گرانه ایالات متحده امریکا با متحدین اروپایی آن در حل پرابلم های بین المللی صلح و امنیت جهانی را مورد تهدید جدید قرار داده و تعادل نیروها را در عرصه بین المللی به سود سیاست های ملیتاریستی کاملاً برهم زده است مؤسسات بین المللی بیش از پیش به وسایل اهداف نیوامپریالیزم و جهان یک قطبی مبدل گردیده است.

سازمان ملل متحد که در گذشته بطور نسبی تعادل را در فیصله ها رعایت میکرد کاملاً در اختیار سیاست های ایالات متحده و متحدین آن قرار گرفته و به وسیله فشار های بالای کشورهای عضو که سیاست های مستقل و آزادانه اختیار مینماید ، تغییر کرده است. اساسی ترین وظیفه سازمان ملل متحد که حفظ صلح و امنیت بین المللی میباشد ماهیت خود را از دست داده، اصول چون «عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر» و «حل منازعات از طریق صلح آمیز» را در حقوق بین الدول جایگاه مناسب خود را از دست داده است. برای بیرون رفت از چنین حالت بحرانی راه دیگری بجز بسیج نیروهای مترقی ، دموکراتیک و آزادیخواه در یک سنگر واحد وجود ندارد، نهضت آینده با احساس مسؤولیت تاریخی از وظایف حال و آینده خویش و با پیروزی از سنن پُر افتخار مبارزات تاریخی کشور ، آن چنان که بانگ از سرگیری مبارزات دادخواهانه را بلند کرد، در فراخوان های خویش از نیروهای چپ، دموکراتیک و وطنپرست دعوت بعمل آورده که با اتحاد همدیگر وظایف تأخیر ناپذیر زمان را مشترکاً بدوش بکشند.

قابل اندیشه است که عده قابل ملاحظه مبارزان دیروزی جنبش چپ مترصد اوضاع بوده و به انکشافات سیاسی در کشور که روز تا روز روشن تر میگردد ، بدون سهم گیری فعال نظارت می کند، شاید تجارب تلخ و ناگوار گذشته مانع تصمیم گیری شان شده باشد. این دوستان هر گاه منتظر باشند که کدام معجزه اتفاق بیافتد و شرایط را برای اشتراک شان در مبارزه مساعد سازد که البته بعید به تصور میرسد به نظر ما زمان آن رسیده تا خود ها را تکان و جایگاه خود را در سنگر اصولی و سالم مبارزه دادخواهانه قرار بدهد

جهان بینی علمی در پروسه تکامل اجتماعی منحیث یک دانش علمی تبارز کرد ، بنا بر اظهارات بنیاد گزاران آن مانند سایر علوم در تکامل و تغییر است. با تأسف همه شاهد بودیم که این بینش علمی چگونه در تجارب سوسیالیزم دولتی با پیش کشیدن شعار مبارزه علیه دگماتیسم خود به جزمیت گرایید.

کم بها دادن به تحقیق و بررسی مداوم علمی از پروسه های مختلف زنده گی اقتصادی – اجتماعی منجر به تصمیم گیری بی بنیاد میگردد، که بالنتیجه برنامه های دور و نزدیک یک حزب مترقی را بیشتر به یک تخیل مبدل میسازد تا واقعیت و خواسته های تاریخی .

جوهر جهانبینی نقاد در همین نهفته است که چه سان از دنباله روی های کورکورانه فاصله گرفته ، مسؤولیت خویش را در برابر وظایف تأخیر ناپذیر جنبش به سود زحمتکشان در شرایط مختلف درک و هضم کرده در مطابقت با عوامل عینی و ذهنی مسلط جامعه مبارزات خویش را ستمدهی و رهبری نماید.

تجارب ح. د. خ. ا. (بعد از ۷ ثور ۱۳۵۷ در افغانستان یکبار دیگر به اثبات رسانید که برداشت های ذهنیگرایانه از فاکتور های اجتماعی - اقتصادی حتی فرهنگی در جامعه چگونه رهبری را به بیراهه می کشاند . در نتیجه با فاصله گرفتن از اصول مرامی ، ماجراجویی ، چپروی ها ، مقام پرستی ها ، برآوردن آزمندی های شخصی ، تشدید اختلافات جناحی . از همان آغاز زمینه های ناکامی تحولات جدید و حاکمیت نو بنیاد را فراهم ساخت .

پیامدهای چنین عملکرد ها که ناشی از امراض کودکانه است، درس های بزرگ را به نسل های بعدی مبارزان بیان میدارد و آن اینکه هر گاه رهبری یک حزب سیاسی به چنین امراض مبتلا باشد آنها فاقد صلاحیت رهبری جنبش بوده و اعتماد توده های میلیونی را بخود جلب کرده نمی تواند.

با سقوط حاکمیت دولتی ، رهبری ح. د. خ. ا. که همه در نتیجه ادغام در حکومت به بیروکرات ها مبدل شده بودند حزب و صفوف آنها که در نتیجه سال ها کار و پیکار اعضای آن از رهبری تا صفوف منحیث یگانه حزب سراسری کشور فعالیت میکرد با کمترین احساس مسؤولیت بدون سرنوشت رها کرده و به فکر نجات خود ها شدند.

این رهبری ح. د. خ. ا. بود که خصلت منفی مقام پرستی ، جاه طلبی ، سمت پرستی را همیشه به صفوف گوشزد کرده از وفا داری به آرمان های مردم ، وقف و از خود گذاری بخاطر منافع مردم ، جامعه و حزب توصیه می نمودند ولی خود از آنچه بنام مقام و موقف به دست آورده بودند و یا میخواستند بدست بیاورند یک وجب عقب نشینی نمی کردند.

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند

چون به خلوت میروند آنکار دیگر می کنند

مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس

کاین توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می کنند

سخن زدن این خاطرات ناگوار صرف بدین منظور لازم است که به آنده رفقاییکه صادقانه و جانبازانه خود را وقف مبارزات عادلانه نموده اند هشدار داد که بار دیگر در دام چنین فریب قرار نگیرند ، چه از مدتی است که از جانب عدّه تلاش جریان دارد تا با حفظ همان امراض دیروزی در پی ایجاد یک سازش سیاسی جدید برآیند و با استفاده از پیروان و مخلصان فردی خود و بعضی از خوش باوران تشکیلات جدید را بوجود آورده و همان بازی های سابقه را ادامه بدهند.

علاوتاً برسم اصلاح طلبی در بینش عدالت اجتماعی و زحمتکشان به اندیشه های خورده بورژوازی و بورژوازی پناه برده اند. نبشته ها و صحبت های زیاد از مدتی باینطرف در جریان است و سعی دارند تا چطور مهر محکومیت بر اعمال دیگران چسپانده و خود ها را برائت میدهند. فکر میکنم زمان آن فرا رسیده است که این دوستان سر تسلیم به آزمون تاریخ بگذارند ، در صدد آن بر نیایند تا این امراض را به مرحله بعدی جنبش چپ سرایت دهند. هر گاه به چنین عمل مبادرت ورزند خدمت نیکویی برای نسل های آینده خواهد بود.

میخواهیم به دوستان و هواداران اندیشه های چپ که سالها زنده گی خویش را با آرمان های زحمتکشان پیوند داده بودند به بانک رسا اعلام بداریم که اندیشمندانہ بیاندیشند با ما بیایند و به دور نهضت آینده که ادامه دهنده واقعی جنبش چپ بوده و منعکس دهنده خواسته های بر حق توده های محروم جامعه افغانی است. جمع شوید و با این حرکت اصولی و سازنده نیروی بیشتر بخشید در تحقق مرامنامه آن که علمی و همه جانبه تنظیم شده همکاری نمایید.

اساسنامهٔ نهضت بحیث یک سند معتبر تنظیم کننده حیات درون سازمان میباشد. از اهمیت بارزی برخوردار بوده و میخواهیم در این رابطه با آن مختصراً تماس بگیریم:

اصل مرکزیت دموکراتیک در احزاب زحمتکشان محور اساسی تشکیلاتی را تشکیل نموده بود. با تأسف باید یادآوری کرد که این اصل در تجارب سوسیالیزم دولتی و جنبش های چپ از جمله در کشور ما سوء تعبیر گردیده و بخش مرکزیت آن دایماً در خدمت رده های بالایی حزب قرار میگرفت و ازین طریق موقف خود ها را محفوظ نگه میداشتند.

رده های پایینی را بیک کتله منجمد فکری مبدل ساخته بود حین عملکرد خود خلاف رهبری جمعی بوده و مانع سهمگیری فعال و ابراز نظریات و انتقادات رفقای رده های پایینی میگرددید. نهضت آیندهٔ افغانستان بر آن است تا با چنین کمبودها جداً مبارزه کرده و یا تمام اعضای سازمان ارتباط ارگانیک و منطقی را در جریان مباحثات و تصمیم گیری ها روی مسایل حیاتی جنبش و حیات درون سازمانی قایم نماید.

دموکراسی درون حزبی را انکشاف بدهد چنانچه در ارتباط به برنامه و اساسنامه نهضت آیندهٔ افغانستان در این راستا عمل کرده است. این امر به نوبه خود در تکامل و پختگی نهضت نقش بارز ایفا خواهد کرد.

رفقای عزیز!

تشکل سیاسی نیروهای چپ یک هوس سیاسی نیست بلکه یک ضرورت تاریخی برای دفاع از منافع زحمتکشان کشور است. نهضت آینده با درک کامل این ضرورت تاریخی را به یک حقیقت تاریخی مبدل ساخته است.

وحدت سالم و ارگانیک یک حزب سیاسی ضامن پیروزی اهداف آن میباشد درس هایی تاریخی گذشته که از تجارب تلخ و ناگوار بدست آمده است به همهٔ توانمندی آنرا بدهد تا خود و نهضت آینده را از وجود امراض کودکانه و مناقشات بیهوده فردی و گروهی به دور داشته و وظایف تاریخی را با احساس مسئولیت کامل انجام بدهیم .

رفقای عزیز!

وحدت عمل و نظر را آگاهانه حفظ کرده در مناسبات با یکدیگر از فرهنگ های رفیقانه پیروی نماید. دموکراسی درون حزب را به شکل سازنده تقویه نماید و اختلافات نظر ها و سلیقه ها را بحیث یک امر طبیعی تحمل پذیر پنداشته و در حل آنها با برخورد صمیمانه، کارایی لازم و احترام متقابل عمل نماید.

این ها همه اجزایی اند که پیوند های رفقا را در جریان کار و مبارزه محکم تر ساخته و بر نیرومندی نهضت ما می افزاید.

از توجه تان ابراز سپاس مینمایم

www.ayenda.org